

Economic analysis of Adjustment and updating dowry with a jurisprudential approach

Seyed Ehsan Naseri¹, Alireza Asgari^{2*}, Seyed Hasan Abedian³, Mohammad Mahdi Ahmadi⁴

1. PhD Student Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
2. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
3. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
4. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 165-180

Article history:

Received: 12 Jan 2022

Edition: 3 Mar 2022

Accepted: 30 Apr 2022

Published online: 25 Jun 2022

Keywords:

Dowry, Adjustment, Depreciation of Money, Common Currency

Corresponding Author:

Alireza Asgari

Address:

Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-9448-2391

Tel:

025-32808080

Email:

alireza.asgari88@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Adjustment and updating the value of dowry is one of the important issues that is discussed from a jurisprudential point of view. This article tries to examine the important approach of jurisprudence in this regard and how it can be evaluated from the economic point of view of dowry adjustment.

Materials and Methods: The present type of research is theoretical and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library which has been studied by referring to books and articles.

Ethical considerations: In different stages of writing the article, ethical and scientific principles have been observed.

Results: The findings indicate that from a jurisprudential point of view, Adjustment and updating the dowry is a matter of controversy; Some believe that it is possible to adjust the dowry based on the devaluation of money, and some other jurists do not allow the adjustment of the dowry under their definition of money. Among the jurisprudential rules, the rule of deducting a certain obligation, more than any other rule and theory, explains the modification and improvement of dowry. From a legal point of view, however, the dowry adjustment is accepted, and if the subject of the dowry is cash, the wife can request pricing or a calendar at the current rate, as the cash loses its value over time.

Conclusion: The most important economic dimension of dowry adjustment is economic fluctuations and a sharp decline in the value of money in society, which has made dowry adjustment justifiable.

Cite this article as:

Naseri SE, Asgari AR, Abedian SH, Ahmadi SMM. Economic analysis of Adjustment and updating dowry with a jurisprudential approach. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(2):165-180.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

تحلیل اقتصادی تعدیل و به‌روزرسانی مهریه با رویکرد فقهی

سید احسان ناصری^۱، علیرضا عسگری^{۲*}، سید حسن عابدیان^۳، سید محمدمهدی احمدی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تعدیل و به‌روزشدن ارزش مهریه از موضوعات مهمی است که از منظر فقهی محل بحث و نظر است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این مهم پرداخته شود که فقه چه رویکردی در این خصوص داشته و از منظر اقتصادی تعدیل مهریه چگونه قابل ارزیابی است.

مواد و روش‌ها: نوع پژوهش حاضر نظری و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که با مراجعه به کتب و مقالات به بررسی موضوع پرداخته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که از منظر فقهی، تعدیل و به‌روزرسانی مهریه محل اختلاف نظر است؛ برخی معتقد به امکان تعدیل مهریه بر اساس کاهش ارزش پول هستند و برخی دیگر از فقها تعریفی که از پول دارند، تعدیل مهریه را جایز نمی‌دانند. از بین قواعد فقهی، قاعده تفریغ ذمه یقینی، بیش از هر قاعده و نظریه دیگری تعدیل و به‌روزرسانی مهریه را تبیین می‌کند. از منظر حقوقی اما تعدیل مهریه پذیرفته شده و در صورتی که موضوع مهریه وجه نقد باشد با توجه به اینکه در گذر زمان پول نقد ارزش خود را از دست می‌دهد زوجه می‌تواند تقاضای قیمت‌گذاری یا تقویم آن به نرخ روز را بنماید. **نتیجه:** مهمترین بعد اقتصادی تعدیل مهریه، نوسانات اقتصادی و کاهش شدید ارزش پول در جامعه است که تعدیل مهریه را توجیه‌پذیر ساخته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۵-۱۸۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

واژگان کلیدی:

مهریه، تعدیل، کاهش ارزش پول، وجه رایج.

نویسنده مسئول:

علیرضا عسگری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۲۵-۳۲۸۰۸۰۸۰

کد ارکید:

0000-0002-9448-2391

پست الکترونیک:

alireza.asgari88@gmail.com

۱. مقدمه

در جامعه امروز هر شخصی در عرصه داد و ستدهای روزانه خود به موارد بسیاری برمی‌خورد که دو طرف یک پیمان نیازمند تعدیل قرارداد قبلی خود می‌شوند. همچنان که نوسانات شدید اقتصادی و افزایش و کاهش مکرر نرخ ارز، کالا و خدمات ضرورت تعدیل قراردادهای را ایجاب و طرفین را در سر راه این پرسش قرار می‌دهد که آیا قانون از آن‌ها در تعدیل قرارداد حمایت می‌کند یا خیر در صورت حمایت محدوده این حمایت چقدر و چگونه است و در صورت عدم حمایت راه نجات از قراردادی که در طول دوره فراز و نشیبی سخت را طی نموده و عملاً طرفین را در وضعیت ناگواری قرار داده است چیست. برای مواجهه با چنین وضعیتی بحث تعدیل قرارداد به عنوان یک امر استثنایی نسبت به اصل لزوم قرارداد در نظام‌های مختلف دنیا مطرح گردیده است (بیگدلی، ۱۳۹۶، ۱۳۱). تغییر اوضاع و احوال به عنوان رکن نسبتاً اصلی تعدیل قرارداد در جامعه حقوق مدنظر قرار می‌گیرد (شفاهی، ۱۳۷۶، ۲۲). اما باید توجه داشت که این تغییرات زمانی ضرورت تعدیل را ایجاب می‌کند که موجب به هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد گردد. در این مقاله تلاش شده به امکان تعدیل مهریه از منظر فقهی پرداخته شود. در قانون مدنی تعریفی از مهر به تبعیت از فقها ارائه نشده است. از دیدگاه حقوقدانان، مهریه در اصطلاح مالی است که به هنگام عقد نکاح برابر ضوابط شرع و رسم و عادت از طرف مرد به زن پرداخت می‌گردد و صداق، صداقیه، کابین و فرض هم نامیده می‌شود

(جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۳۵۷۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۴۸؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ۱۴۸). مهریه ممکن است اعیان، منافع، دیون و یا حقوق باشد. مطابق ماده ۱۰۷۸ ق.م: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد». در مورد مهریه‌هایی که کالای معین و طلا هستند با توجه به ارزش ذاتی مستقل پرداخت آن در هر زمان باعث برائت ذمه زوج می‌شود. اما در مورد وجه رایج (وجه نقد) چنین نیست. مسئله اینجاست، تعیین مهریه به صورت وجه رایج، تحت تأثیر نوسانات اقتصادی، تورم و کاهش ارزش پول، از ارزش آن کاسته شد و این موضوع ایجاد مشکل می‌کند. وجه رایج و به‌طور کلی پول امروزی دارای مالیت ذاتی و واقعی نیست بلکه ارزش آن اعتباری است، لذا باید دید زن پس از سال‌ها زحمت در امور زندگی اگر بخواهد مهریه خود را مطالبه کند یا خود مرد درصدد ادا کردن دین خویش برآید، آیا همان مبلغی که در عقدنامه ذکر شده می‌تواند برائت ذمه مرد را حاصل کند؟ این مسئله بحثی تحت عنوان تعدیل مهریه را به میان می‌آورد تا بدین واسطه بتوان مالیت پول را به آن بازگرداند. نظر به جنبه کاربردی موضوع و طرح دعاوی بسیار زیاد در دادگاه‌های خانواده و مهم بودن محاسبه مهر به نرخ روز، در این مقاله تلاش شده به تحلیل اقتصادی تعدیل و به‌روزرسانی مهریه با رویکرد فقهی پرداخته شود. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که تعدیل و به‌روزرسانی مهریه از منظر اقتصادی چگونه قابل تحلیل است و رویکرد فقه در این خصوص چیست؟

با توجه به اینکه در گذر زمان پول نقد ارزش خود را از دست می‌دهد زوج می‌تواند تقاضای قیمت‌گذاری یا تقویمان به نرخ روز را بنماید.

۵. بحث

۵-۱. تعدیل و انواع آن

تعدیل از نظر لغوی به معنای برابر کردن (عمید، ۱۳۵۶، ۳۴۳؛ مصباح‌المنیر، ۱۹۸۸، ۷، ۸۲) و یا کاهش شدت چیزی یا عملی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴، ۵۹-۵۷؛ آیت‌الله‌زاده و آذرتاش، ۱۳۶۳، ۲۸۶). اصطلاح تعدیل قرارداد به معنای «اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است، این تغییر کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می‌گردد» (فخارطوسی، ۱۳۸۱، ۳۴). در تعریف اصطلاح تعدیل قرارداد می‌توان گفت، هرگاه در جهت برابر ساختن تعهدات طرفین در قرارداد، به هر طریق ممکن، شروط اولیه قرارداد یا مفاد مورد تراضی آنان مورد تغییر قرار گیرد، تعدیل قرارداد صورت گرفته است (بیگدلی، ۱۳۹۶، ۱۶). تعریف ارائه شده از دو جهت قابل ایراد به نظر می‌رسد: نخست آنکه در تعریف ارائه شده هدف تعدیل برابر ساختن تعهدات طرفین در قرارداد می‌داند این در حالی است هدف تعدیل، متناسب نمودن مفاد قرارداد با توجه به تغییرات حاصله و جلوگیری از ضرر نامتعارف و ناهمگون به یکی از طرفین قرارداد می‌باشد. ایراد دوم اینکه، بیان گردیده «... برابر ساختن تعهدات طرفین در قرارداد به هر طریق ممکن ...» تعدیل قرارداد به عنوان استثناء اصل لزوم قرارداد باید به صورت کاملاً

در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره ابتدا، تعدیل و انواع آن بررسی شده، سپس بعد اقتصادی تعدیل مورد بحث قرار گرفته و در ادامه تعدیل مهریه و به‌روز کردن آن از منظر حقوقی و فقهی تبیین شده است.

۲. مواد و روش‌ها

نوع پژوهش حاضر نظری و روش تحقیق آن توصیفی تحلیلی می‌باشد و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است که با مراجعه به کتب و مقالات بوده به بررسی موضوع پرداخته شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که از منظر فقهی، تعدیل و به‌روزرسانی مهریه محل اختلاف نظر است؛ برخی معتقد به امکان تعدیل مهریه بر اساس کاهش ارزش پول هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ۱، ۲۱۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۶۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱۱۰) و برخی دیگر از فقها تعریفی که از پول دارند، تعدیل مهریه را جایز نمی‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲، ۹۸). از بین قواعد فقهی، قاعده تفریغ ذمه یقینی، بیش از هر قاعده و نظریه دیگری تعدیل و به‌روزرسانی مهریه را تبیین می‌کند. از منظر حقوقی اما تعدیل مهریه پذیرفته شده (امامی، ۱۳۷۱، ۷۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۶۶۳) و در صورتی که موضوع مهریه وجه نقد باشد

خاص و مطابق با قواعد سازگار حقوقی مورد استفاده قرار گیرد بنابراین یکی از طرفین قرارداد به‌تنهایی نمی‌تواند به تغییر رابطه قراردادی بپردازد و شرایط و مفاد قرارداد را کم و زیاد کند و یا دادرسی بدون درخواست یکی از طرفین در موارد پیش‌بینی‌نشده، اقدام به تعدیل قرارداد نماید.

نویسنده دیگری اصطلاح در تعدیل قرارداد این چنین بیان کرده، «اصطلاح تعدیل قرارداد به معنای اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است. این تغییر کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می‌گردد» (فخارطوسی، ۱۳۸۱، ۹۷). با توجه به تعاریف ارائه‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که تعدیل قرارداد به عنوان یکی از استثنائات اصل قداست یا الزامی بودن قرارداد است با وجود اینکه اصل قداست قراردادهای و یا به تعبیر فقها «اصل لزوم» (خویی، ۱۳۸۴، ۶، ۳۸-۳۰) همیشه مورد توجه و احترام فقها و حقوق‌دانان بوده است و همان‌طور که در ماده ۲۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم اتباع است. مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» در عین حال نباید تصور کرد که مفاد عقد بدون تغییر و دست‌نخورده باقی می‌ماند. در برخی مواقع، تحت تأثیر تغییرات وضعیت اقتصادی، شرایط زمان انعقاد قرارداد دچار تحول می‌شود. در چنین وضعی، تجدیدنظر در قرارداد به منظور متناسب ساختن شروط آن با وضعیت جدید ضروری و انکارناپذیر می‌نماید (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۴-).

۳۲؛ دوراهی، ۱۳۸۲، ۹۱؛ شفاهی، ۱۳۷۶، ۱۴۹). بنابراین منظور از تعدیل قرارداد، این است که دادگاه و یا متعاقدين، مشخصات و آثار عقد را با ابقای آن تغییر دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱، ۸۹). تغییرات می‌تواند از دلایل و عوامل مختلف ناشی شود که متن قرارداد متناسب با درخواست‌های جدید طرفین متأثر از شرایط اقتصادی تنظیم شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۷۰).

تعدیل به سه قسم امکان‌پذیر است؛ تعدیل قضایی، تعدیل قراردادی و تعدیل قانونی. تعدیل قضایی وقتی است که قاضی به موجب یک حکم کلی قانون‌گذار یا بر اساس یک قاعده امکان تجدیدنظر و تعدیل در یک قرارداد در نتیجه وقوع حوادث پیش‌بینی نشده را داشته باشد (حسین‌آبادی، ۱۳۷۷، ۲۰۷). طبق تعاریف فوق تعدیل قضایی تابع نظر قانون‌گذار است. صرف‌نظر از اینکه طرفین قرارداد حق دارند تعدیل را در قرارداد پیش‌بینی کنند، قانون‌گذار نیز ممکن است به صراحت تعدیل قرارداد را در قانون پیش‌بینی نماید (کرمی، ۱۳۹۷، ۱۹). در چنین موقعیت‌هایی لازم است قانون‌گذار، شرایط و اوضاع و احوالی امکان تعدیل را به صورت روشن تعیین و جزئیات تحقق چنین امکانی را پیش‌بینی نماید تا قراردادهای خصوصی از اعمال سلیقه‌ها و تغییر و تحول‌های ناخواسته در امان بماند. با این وجود، چون تعیین دقیق مصادیق در بسیاری موارد ممکن نیست، لازم است قانون‌گذار دست قاضی را تشخیص اوضاع و احوالی که منجر به تعدیل قرار می‌شود را باز بگذارد. این‌گونه موارد

که توسط قاضی تعدیل می‌شوند ظاهراً تعدیل قضایی‌اند (محمودی، ۱۳۹۷، ۲۸).

در تعریف تعدیل قراردادی بیان شده است: «تعدیل قراردادی ناظر به موردی است که دو طرف در متن قرارداد پیش‌بینی می‌کنند یا پس از انعقاد آن به تراضی انجام دهند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۷۱). در نظام حقوقی ایران، می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد که قانون‌گذار با هدف متعادل ساختن قراردادها میان طرفین، مداخله کرده است. به عنوان مثال می‌توان به ماده واحده تقلیل اجاره‌بهای واحدهای مسکونی مصوب ۱۳۵۸ اشاره کرد که بر اساس آن: «کلیه‌ی اجاره‌بهای خانه‌های استیجاری که به عنوان محل مسکونی به اجاره واگذار شده و مستأجر از عین مستأجره به صورت مسکن استفاده می‌کند، از تاریخ اول آذر ۱۳۵۸ شمس ۲۰ درصد تقلیل داده می‌شود.» بر اساس قانون فوق، قانون‌گذار با امکان اعطای مهلت عادلانه یا تأخیر حکم تخلیه، به نفع مساجر، امکان تعدیل قرارداد را پیش‌بینی کرده است.

۵-۲. بعد اقتصادی تعدیل

جنبه‌های اقتصادی مهم‌ترین بعد تعدیل در قراردادهاست. تعدیل قرارداد دارای دو اثر متفاوت است: (۱) جبران خسارت وارد شده؛ (۲) تبدیل موقعیت زیان‌آور به موقعیت متعارف (دوراهکی، ۱۳۸۲، ۹۴-۹۳). بنابراین در صورت بروز حوادث و تغییر اوضاع و احوال قرارداد می‌توان برای تحقق هدف تعدیل که همان متناسب ساختن مفاد و شرایط قرارداد است، شروطی را به قرارداد اضافه

کرد که بر اساس آن در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال که غیرقابل پیش‌بینی و خارج از کنترل طرفین است، شرایط قرارداد به نفع طرفیت تعدیل گردد. تغییر اوضاع و احوال باید به گونه‌ای باشد که شرایط جدید با شرایط زمان انعقاد قرارداد کاملاً فرق کرده باشد و از طرفی به صورت غیرقابل پیش‌بینی و خارج از کنترل طرفین صورت گرفته باشد به نحوی که اجرای قرارداد را از طرف یکی از طرفین از نظر اقتصادی غیرممکن سازد. نکته حائز اهمیت آن است که مبنا و ملاک تعیین و تشخیص به هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد میان طرفین نوعی بوده و شخصیت شخص متعهد مبنا نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۰۵). به عبارت دیگر لازم است شرایط پیش‌آمده نوعاً چنان متعهد را دچار سختی و مشقت غیرمتعارف سازد که هر عقل سلیمی حمایت از او و قرارداد را امری بدیهی بداند.

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران در چند دهه گذشته پدیده تورم بوده است. این معضل اقتصادی از طریق تأثیرگذاری بر رشد اقتصاد، سرمایه‌گذاری، اشتغال و توزیع درآمد زندگی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده است در چند سال گذشته به‌ویژه در چند ماه گذشته تورم به صورت پایدار افزایش یافت و این معضل مزمن اقتصاد ایران هزینه‌های بسیار زیادی بر اقتصاد ایران وارد کرد. تورم حاد یکی از انواع تورم است که از آن به عنوان تورم مهارناپذیر یاد می‌شود (زاهدی، ۱۳۹۱، ۵۶). بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول ایران در سطح خاورمیانه بالاترین نرخ تورم سالیانه معادل ۲۶ درصد را داراست. در

حالی که میانگین نرخ تورم در کشورهای خاورمیانه برابر با ۳/۳ دهم درصد است. ایران دومین نرخ بالای تورم در سطح جهان دارد (حسینی، ۱۳۹۷، ۱۲). بر این اساس تورم در اقتصاد ایران به گونه‌ای که لازم است در قراردادهای مستمر و بلندمدت حتماً مورد توجه طرفین قرارداد قرار گیرد.

۵-۳. تعدیل مهریه در حقوق موضوعه

در سال ۱۳۷۶ تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی الحاق شد که از آن می‌توان به نهاد تعدیل مهریه تعبیر کرد. بر اساس تبصره قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند». تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م، فقط مهریه‌ای را که وجه رایج مملکت ایران باشد قابل تعدیل دانسته و آن را به نرخ روز محاسبه می‌نماید. در واقع مطابق تبصره مذکور، کلمه رایج شامل مهریه‌هایی که پول خارجی باشند نمی‌شود (هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۸۵، ۱۸۷-۱۸۵) این برداشتی است که با توجه به نص ماده واحده قابل دریافت است.

در ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در مورد نحوه محاسبه هزینه دادرسی، به مطلب مفیدی تصریح کرده است: بر اساس این ماده، چنانچه زوج برای وصول

مهریه از طریق دادگستری اقدام کند متناسب با مقدار مهری که در سند تعیین شده است هزینه دادرسی پرداخت می‌کند و برای تعیین هزینه دادرسی از ابتدا شاخص‌های بها دخالت داده نمی‌شوند، ولی چنانچه حکم به نفع زوج صادر شد، زوج نه‌تنها معادل هزینه‌ای که زوج تأدیه کرده، به حکم دادگاه به وی پرداخت می‌کند، بلکه مابه‌التفاوت هزینه دادرسی (هزینه‌ای که متناسب با مهریه محاسبه‌شده تعیین می‌شود منهای هزینه پرداختی توسط زوج) را نیز از طریق ابطال تمبر تأدیه خواهد کرد (هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۸۵، ۱۹۱؛ کریمی، ۱۳۷۷، ۱) در مورد این نحوه محاسبه که بهترین روش دخالت دادن نرخ تورم در تعیین میزان دقیق مهریه محسوب می‌گردد، در واقع احراز اراده مشترک طرفین نیز تلقی می‌شود و این امر ایجاب می‌کند در محاسبه قیمت مهریه، نرخ تورم نیز لحاظ شود، به نحوی که ارزش اقتصادی آن برابر با آنچه در زمان عقد نکاح تعیین شده، برابر باشد. از آنجا که پرداخت هزینه دادرسی، در صورت تقاضای خواهان در ستون خواسته، برعهده محکوم علیه است، بر همین اساس ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، مقرر کرده است: «... و در صورت صدور حکم به نفع وی، (زوج)، زوج علاوه بر پرداخت مهریه، طبق ضوابط این آیین‌نامه، مسئول پرداخت هزینه‌ی دادرسی به مقدار مهرالمسمی و ابطال تمبر مابه‌التفاوت خواهد بود». البته مقرره مورد اشاره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور رأی شماره ۲۲۶ به تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲ ابطال

شد و هزینه دادرسی به میزان بهای به‌روزشده مهر از سوی زوج تعیین می‌شود.

به نظر می‌رسد ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی نیز چندان با متن و روح قانون سازگار نیست. بر اساس ماده ۳، «در مواردی که مهریه‌ی زوج باید از ترکیه‌ی زوج متوفی پرداخت شود، تاریخ فوت مبنای محاسبه‌ی مهریه خواهد بود.» این در حالی است که هدف اصلی قانون‌گذار تعیین قیمت مهریه در زمان تأدیه آن و به صراحت از عبارت «تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه» استفاده شده است و تفاوتی میان تأدیه مهریه در زمان فوت و زمانی که زوج در قید حیات هستند، قائل نشده است بنابراین، اگر زوج قبل از زمان تأدیه مهریه فوت کند، شاخص ارزش مهریه در زمان فوت زوج ملاک نیست. این امر مغایر با روح قانون قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ است و قضات لازم است مطابق با اصل ۱۷۰ قانون اساسی از اجرای آن سرباز زنند.

عطف به ماسبق شدن یا نشدن قانون تعدیل مهریه مشخص نیست. مطابق ماده ۴ قانون مدنی، «اثر قانون نسبت به آینده است و قانون نسبت به ماقبل خود، اثر ندارد؛ مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» در تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، به عطف به ماسبق شدن این قانون اشاره‌ای نشده است. به نظر برخی حقوقدانان، ماهیت قانون مورد اشاره ایجاب می‌کند عطف به ماسبق شود، هر چند در متن ماده چنین قیدی نیامده است (امامی،

۱۳۷۱، ۷۸). این در حالی است که از دید برخی دیگر از حقوقدانان، عطف به ماسبق شدن قانون مذکور بر خلاف ماده ۴ قانون مدنی نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۶۶۳). عدم توجه قانون‌گذار به موضوع عطف به ماسبق سبب ایجاد مشکلاتی در رویه قضایی نیز شده بود که دادستان کل، موضوع صدور آراء متناقض در نتیجه ابهام قانون مورد اشاره را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح کرد. هیأت مذکور در رأی شماره‌ی ۶۴۷، به تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۴ بر عطف به ماسبق بودن تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی رأی داد: «... منظور مقنن از تصویب ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه‌ی وضع آن، حفظ ارزش ریالی مهریه‌ی زوج است که معمولاً برحسب وجه رایج (ریالی) تعیین می‌شود. اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره‌ی مزبور باشد. با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی) با ماده ۴ قانون مدنی مبیاتی ندارد. لذا به جهات اشعاری رأی شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قم که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء، صحیح و موافق موازین شرع و قانون تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده‌ی ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب سال ۱۳۷۸، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع می‌باشد.» با صدور رأی مورد اشاره از سوی هیأت عمومی دیوان، قاعده عطف به ماسبق شدن ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی

۱۰۸۲ قانون مدنی در تعدیل مهریه به نرخ روز تأیید شد.

برای توجیه تعدیل تعهداتی که نسبت به وجه رایج است بهترین راه ممکن؛ بررسی ماهیت اقتصادی پول است. بدین شرح که پول یا اسکناس موجود در واقع ماهیتی جز نمایندگی مقدار معینی قدرت خرید یا ارزش اقتصادی نیست. برای مثال من وقتی یک اسکناس هزار ریالی دارم، در واقع برگی در اختیار دارم که وسیله نمود یک هزار ریال ارزش و قدرت خرید است و وقتی آن را به شخص دیگر قرض می‌دهم در واقع به او امکان می‌دهم به اندازه یک هزار ریال قدرت خرید داشته باشد و مطلوب منطقی من این هست که موقع پس دادن، ارزش معادل یک هزار ریال آن زمان که قدرت خریدی مشخص داشت به من داده شود، نه یک اسکناس هزار ریالی، زیرا اسکناس ممکن است دیگر نماینده قدرت خریدی که من داده بودم نباشد و کاهش ارزش داشته باشد و عقل به راحتی می‌پذیرد که من قدرت خرید از دست داده را به دست آورم. این توجیه برای هر تعدیلی که موضوع تعهد، وجه رایج باشد، مناسب است و مهریه خصوصیتی از این باب ندارد. وجود این توجیهات قانونگذار را واداشت تا با الحاق تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به صورت قانونی، تعدیل مهریه را در صورتی که وجه رایج باشد، بپذیرد.

۵-۴. تعدیل مهریه در فقه

در خصوص تعدیل مهریه نظریات متفاوتی بین فقها وجود دارد. برخی از فقها مخالف تعدیل مهریه و

تعیین آن بر اساس نرخ روز هستند. از دید آنها، قدرت خرید اسمی پول باید مبنا قرار گیرد و بنابراین در پرداخت مهریه آنچه باید مبنا قرار گیرد نه قدرت حقیقی پول که قدرت خرید اسمی آن است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲، ۹۸). برخلاف نظریه نخست، برخی از فقها معتقد به لزوم تعدیل مهریه تعیین آن بر اساس نرخ روز هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ۱، ۲۱۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۶۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱۱۰). «با آنکه برخی از فقها معتقدند که کاهش ارزش پول تأثیری در مهر زن ندارد، اما به نظر می‌رسد طرح مورد بحث از جهت فقهی بدون اشکال باشد؛ زیرا عرف و عقلا در مبادلات خود با پول، کانون توجه خود را روی ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید آن متمرکز می‌کنند نه روی ارزش مصرفی یا عدد و رقم آن و تنها ارزش مبادله‌ای پول در نظر عرف اهمیت دارد و واکنش‌های عرف در مقابل ارزش مبادله‌ای آن است» (فشارکی، ۱۳۸۸، ۱۴۱). واقعیت امر این است که حفظ ارزش مهریه در مقابل تورم و کاهش ارزش آن، زیاد شدن آن قلمداد نمی‌شود. در واقع اگر مردم در راستای حفظ ارزش دارایی خود، پولشان را به کالاهایی چون طلا تبدیل نمایند، به معنای افزایش دارایی آنها نیست. در خصوص مهریه نیز این امر مصداق دارد. تعدیل مهریه و تعیین آن به نرخ روز، افزودن بر آن نیست بلکه حفظ ارزش آن است؛ امری که عرف نیز آن را پذیرفته و بر آن صحه می‌گذارد. در تبیین مبانی فقهی تعدیل مهریه لازم است به قواعد لاضرر،

عدال و انصاف، عسر و حرج و تفریغ ذمه یقینی پرداخته شود.

۵-۴-۱. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین قواعد فقهی است که در همه مباحث فقه از عبادات تا معاملات، مورد استدلال و استفاده قرار گرفته است. به عبارتی قاعده نفی ضرر یا قاعده لاضرر از مهم‌ترین قواعد فقه اسلامی و از مبانی مهم مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است. یکی از ویژگی‌های این قاعده این است که در بسیاری از مسائل تنها قاعده‌ای که می‌توان برای اثبات حکم آورد قاعده لاضرر است. زیرا از پشتوانه محکمی همچون قرآن، عقل و روایت برخوردار می‌باشد. فقها برای مدرک این قاعده به روایات، آیاتی از قرآن کریم و عقل استناد نموده‌اند. به عقیده بسیاری از فقهاء یکی از دلایل اصلی قاعده لاضرر، روایت است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ۱۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۲۶). اما روایات بسیاری وجود دارد که به دلیل تعدد سبب تواتر شده است. به این صورت که همه روایات به یک لفظ نیست اما مضمون واحدی دارند. معروف‌ترین روایت مربوط به داستان سمره بن جندب است که مرحوم کلینی در کافی از زرارہ نقل می‌کند که امام باقر (ع) این روایت را فرموده است. که در پایان روایت پیامبر می‌فرماید: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ عَلَی الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲۹۲-۲۹۶). یکی از نویسندگان حقوقی پس از بررسی قاعده لاضرر و شرایط و نتایج آن، معتقدند که مشکل و ضرری شدن اجرای قرارداد مستمر به

علت حوادث پیش‌بینی نشده نیز، از جمله مصادیق نفی شده طبق قاعده لاضرر است و بنابراین حکم لزوم پایبندی به قرارداد از بین می‌رود، همچنین بیان می‌دارند: ... به این ترتیب، مستنبط از قاعده لاضرر، در موردی که رویدادی غیرمترقبه و غیرمنتظره تعادل قراردادی را به هم زده و اجرای تعهد را برای یکی از طرفین و به‌طور عمده، متعهد ضرری نماید، حکم ضرری برداشته می‌شود (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۱۳۶). یکی از شروط مهم قاعده لاضرر این است که ضرر وارد شده از سوی شخص مدیون حادث شده باشد. یعنی زوج باعث کاهش ارزش پول و لذا کاهش ارزش مالی مهریه شده باشد. بر این اساس اگر نتوان بین کاهش ارزش پول و فعل مدیون (زوج) رابطه سببیت برقرار کرد، نمی‌توان وی را مسئول جبران کاهش ارزش پول دانست. در واقع هر چند از دید برخی فقها، بر اساس قاعده لاضرر، علاوه بر نفی ضرر، اثبات ضمان نیز امکان‌پذیر است (نائینی، ۱۳۷۳، ۳۹۷) اما در صورت فقدان رابطه سببیت، نمی‌توان قائل به جبران خسارت شد، مگر اینکه مهریه عندالمطالبه بوده و مدیون از پرداخت مهریه به عنوان دین موجب خودداری کرده باشد.

۵-۴-۲. قاعده نفی عسر و حرج

حرج در کتب لغت به معنای تنگی و تنگنا، ضیق، دشواری تعریف شده است. کلمه عسر نیز در کتاب‌های لغت در مقابل پسر به معنی آسانی قرار گرفته است پس مقصود از این کلمه مشقت و سختی و صعوبت و شدت است (مصباح المنیر،

۱۹۸۸، ۷). قاعده نفی عسر و حرج مستنداتی از قرآن و احادیث دارد، آیه ۷۸ سوره حج «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» یکی از مستندات قوی قاعده نفی عسر و حرج می‌باشد. بر اساس قاعده نفی عسر و حرج، هر چیزی که موجب مشقت باشد، عقلاً محال است، زیرا انگیزه نقض می‌شود، لیکن بسیاری از «امر غیرقابل تحمل» تکالیف اطاعت است و این هدف با تکلیف به تکالیف چون جهاد یا قصاص با حرج و سختی است، در این خصوص پاسخ داده شده است که ما با دو نوع احکام حرجی روبرو هستیم؛ بعضی از احکام از ابتدا و اصل با وجود حکم حرجی تشریع شده‌اند و بعضی دیگر در اوضاع و احوال خاص، حرج بر آنان عارض می‌شود. در واقع نظر شارع بر نوع دوم بوده، نه بر نوع اول که به‌طور خاص از این قاعده خارج است (محقق داماد، ۱۳۹۲، ۲، ۷). آنچه از مستندات مربوط به قاعده استنباط شده و مورد تأکید اندیشمندان حقوق اسلامی قرار گرفته است اینکه، بر اساس قاعده لاحرج، هرگاه تکلیفی دشوار و مشقت‌آور شود، ساقط شده و فرد مسئولیتی در اجرای آن نخواهد داشت. اما نکته حائز اهمیت، دانستن حدود سختی عمل است. هنگامی که این دشواری به مرحله عدم امکان اجرا می‌رسد، قاعده فوق به عنوان یک قاعده تعدیل‌کننده می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. چه هر چیزی که مردم به آن فرمان داده شده‌اند، در حد توانایی آن‌هاست و اگر چیزی خارج از توان و طاقت آن‌ها باشد از عهده آنان نیز خارج است (بجنوردی، ۱۳۷۲، ۱، ۲۱۰). لذا برای رفع حرج،

احکام ثانویه جایگزین احکام اولیه می‌شود. برخی از قوانین ایران به صراحت قاعده نفی عسر و حرج را بیان و یا با الهام گرفتن از این نظریه وضع شده‌اند. که به‌طور مثال می‌توان به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و ماده ۹ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۶۲ و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی نیز اشاره نمود. قانون‌گذار نیز با پذیرش صریح نظریه عسر و حرج در موارد مشابه، تمایل خود برای استفاده از قاعده فقهی مذکور به منظور حل مشکلات و نیازهای جدید و نوظهور اجتماعی نشان داده است.

۵-۴-۳. عدل و انصاف

عدالت در لغت به معنای اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی، و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶، ۲۰۵). قاعده عدل و انصاف، از قواعد عقلایی است که در مواردی شارع آن را امضا کرده است، و در دعوا و اختلاف حقوقی میان افراد به کار می‌رود. اگر تشخیص این که حق به‌جانب کدامیک از طرفین دعوا است، مشکل گردد، بر اساس این قاعده، عدل و انصاف حکم می‌کند دعوا به‌گونه‌ای رسیدگی شده و پایان یابد که در حق هیچ‌یک ظلم نشود (خویی، ۱۴۱۳، ۲، ۶۲؛ جزایری، ۱۴۱۳، ۶، ۶۴۵؛ انصاری، ۱۴۱۹، ۳، ۷۰). مطابق قاعده مورد اشاره، با انصاف مغایرت دارد که مهریه بعد از گذشت سال‌ها و کاهش شدید وجه نقد تعیین شده، بدون اینکه به نرخ روز تعیین گردد و براساس مبلغ اسمی پول پرداخت شود. بر اساس فقه: «... عدل و انصاف اقتضا می‌کند که

۵-۴-۴. تفریغ ذمه یقینی

در مورد کاهش مالیت مهریه‌های ریالی، هرگاه زوج مبلغ اسمی مهریه را بپردازد، براءت ذمه حاصل نشده است و در فرض تردید در حصول براءت، اصل اشتغال ذمه است. به بیان دیگر، اشتغال ذمه یقینی، براءت ذمه یقینی را ایجاب می‌کند. یکی از فقها فرموده است: «ادای وجه رایج روز در مقام تأدیه صدق زوج مورد مثال، براءت ذمه من علیه الاداء را موجب نمی‌شود» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸، ۱۹). فقیه دیگری فرموده‌اند: «زوجه مالک آن میزان توان خرید است و هر وقت بخواهد می‌تواند آن را مطالبه کند و زوج نیز هرگاه بخواهد این بدهی خویش را تأدیه نماید، باید همان میزان قدرت خرید را بپردازد تا ذمه‌اش تفریغ گردد» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸، ۱۷). در این نظر باید اشتغال ذمه زوج یقینی باشد تا براءت ذمه یقینی را ایجاب کند. برخی از فقها که فتوای ضرورت جبران کاهش ارزش پول در نتیجه تورم صادر کرده‌اند به این دلیل است که معتقدند قدرت خرید و مالیت پول نیز به ذمه مدیون آمده است (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۷، ۹۴).

اگر بخواهیم ملاک مثلی یا قیمی بودن کالاها را داوری عرف قرار دهیم، از دید عرف، کالاهای مثلی؛ افراد یک شیء هنگامی در نظر عرف و عقلا مثل هم هستند که حاضر باشند افراد آن را به جای هم بپذیرند و این امر در صورتی محقق می‌شود که ویژگی‌های افراد آن شیء به گونه‌ای باشند که باعث تفاوت رغبت، مطلوبیت و در نتیجه تفاوت در مالیت آن نشود لذا نگاه عرف به پول، نگاه «حاکمی» و

مالیت پول ادا شود، زیرا نظر به آن بوده و پول معین طریق به آن بوده است (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸، ۱۶). در واقع از منظر فقهی: «اسکناس که ارزش اعتباری دارد، از آن نظر مهریه قرار می‌گیرد که دارای قدرت خرید معینی بوده، با فلان کالا یا نقدینه معادل می‌باشد. گواه این که موقع مهربری، طرفین چانه می‌زنند تا بر حدی توافق پیدا کنند، لذا پس از سی سال اگر همان ریال سابق را بپردازد، زن، شوهر را مجحف و ظالم و متعدی تلقی کرده و خود را مظلوم و مورد تجاوز می‌شمارد. این نوع داوری‌های فطری نباید از نظر فقیه دور بماند. اسلامی که دعوت به عدالت کرده، ظلم و تعدی را محکوم می‌کند، و از نظر عرف نیز چنین کاری مصداق ظلم و تعدی است، طبعاً باید زوجین از در مصالحه درآمده و ارزش آن روز ریال را در نظر بگیرند و همگان به آیه «لا تظلمون و لا تظلمون» عمل کنند (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸، ۱۴۵). و یکی دیگر از صاحب‌نظران ضمن اشاره به این استدلال می‌فرمایند: «بهره جستن از قاعده عدل و انصاف برای اثبات حق شخص زیان‌دیده (مضمون‌له) و این که بی‌بهره ساختن او از توان خرید پیشین پولی، برخلاف عدل و انصاف است» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ۷۸). در واقع، عدل و انصاف یکی از مبانی تعدیل مهریه به نرخ روز است. عادلانه و منصفانه نیست مهریه‌ای که اگر در ظرف زمانی خود پرداخت می‌شد، می‌توانست گره از مشکلات فراوان بگشاید، با وجود افت شدید قدرت خرید پول، به صورت تعدیل نشده و به همان مبلغ اسمی پرداخت گردد.

۶. نتیجه

تعدیل مهر و تعیین بها و ارزش مالی آن بر مبنای نرخ روز در فقه سابقه‌ای ندارد، زیرا در گذشته کاهش ارزش دینار و درهم به عنوان پول آن روزگار مانند امروز مصداق نداشت. دینار و درهم دارای ارزش ذاتی بود و دچار کاهش ارزش در نتیجه تورم نمی‌شد. در میان فقهای معاصر نیز در این خصوص اختلاف نظر است؛ برخی موافق و برخی نیز مخالف تعدیل مهریه و به‌روزشدن ارزش مالی آن هستند. علی‌رغم مخالفت برخی فقها، به روز شدن دیون در نتیجه کاهش ارزش پول ضرورتی انکارناپذیر است که عرف نیز آن را پذیرفته است. جبران کاهش ارزش پول، چه در خصوص مهر در عقد نکاح و یا هرگونه دیون پولی، مشروعیت دارد. در تبیین مبانی فقهی تعدیل و به‌روزشدن ارزش مهریه، به قواعد فقهی مختلفی مانند قاعده لاضرر و عدل و انصاف استناد می‌شود اما می‌توان ادعا کرد که از میان مبانی فقهی و حقوقی در بحث مهریه در حقوق ما، مبنای فقهی تفریغ ذمه یقینی پذیرفته شده است.

از منظر حقوقی، تعدیل مهریه و به‌روز کردن نرخ آن پذیرفته شده و از شرایط تعدیل مهریه؛ وجه رایج بودن آن است و اینکه زوجین به‌گونه‌ای دیگر تراضی نکرده باشند. در سه قسم تعدیل که اشاره شد (تعدیل قراردادی، قانونی و قضائی)، تعدیل مهریه از اقسام تعدیل قانونی محسوب می‌شود. در این قسم از تعدیل، قانون‌گذار مستقیماً در تعدیل برخی از قراردادها دخالت می‌نماید. یکی از شیوه‌های تعدیل در قراردادها، افزایش میزان تعهد

«آلی» است و عرف در قبال تغییرات فاحش ارزش پول واکنشی نشان می‌دهد و در نتیجه، افراد پول در صورتی که قدرت خرید حقیقی آنها برابر باشد، یا اگر تفاوتی هست، این تفاوت ناچیز و قابل چشم پوشی باشد، این پول‌ها در عرف مثل هم هستند، در غیر اینصورت مثل هم تلقی نمی‌شوند. قانونگذار در تصویب تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی از مبنای لزوم تفریغ ذمه پیروی کرده است، لذا در این بحث می‌توان لزوم تفریغ ذمه را بهترین مبنا در توجیه قاعده تعدیل در مهریه دانست. در مجموع با توجه به مفهوم مال و نظریه‌ی پول و ارزش اعتباری که برای پول در حال حاضر در نظر گرفته می‌شود و با امعان نظر به تحلیل حقوقی در خصوص وحدت موضوع تعهد و تسلیم در مورد دیون پولی، می‌توان گفت که تعدیل (محاسبه به نرخ روز) مهری که وجه رایج بوده، خلاف شرع نیست.

در تحلیل اقتصادی تعدیل و به‌روزرسانی مهریه لازم به ذکر است در شرایط اقتصادی کشور که شاهد نوسانات شدید اقتصادی و افزایش و کاهش پی‌درپی نرخ کالا و خدمات هستیم، تعدیل قراردادها امری ضروری و منطقی و عاقلانه است. هرگاه در جهت متعادل ساختن قرارداد، شرایط اولیه قرارداد تغییر نمادی، تعدیل قرارداد انجام شده است. در برخی موارد بروز حوادث پیش‌بینی نشده و غیره منتظره باعث به هم خوردن تعادل اقتصادی و کاهش شدید ارزش مالی مهریه و مشقت و دشواری زوجه می‌شود، لذا برای جلوگیری از بروز چنین مشکلی تعدیل مهریه ضروری است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

است که در بحث تعدیل مهریه، این شیوه به سود متعهده صورت گرفته است، لذا این نوع افزایش میزان تعهد به سود متعهده در بحث مهریه که زوجه می‌باشد به دلیل آن است که زمان و نرخ پول در کشور ما در روزگار اخیر بیشتر به شکل کاهش ارزش پول نمایان شده است، حال آنکه اگر به دلیل گذشت زمان و نوسانات ارزش پول، بر ارزش آن افزوده شود، می‌توان این قرارداد را به نحو متعهد (زوج) تعدیل نمود، لذا این شیوه در قراردادهای امکان تعدیل در قراردادهای به سود هر دو طرف قرارداد، متعهد و متعهده فراهم می‌آورد.

در تحلیل اقتصادی تعدیل مهریه نیز باید گفت، نوسانات اقتصادی و تورم مستمر نظیر آنچه در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم سبب شده ارزش پول نقد به شدت کاهش یابد، به نحوی که مثلاً مهریه تعیین شده به میزان یک میلیون تومان در سه دهه قبل در شرایط کنونی کاملاً ارزش اقتصادی خود را از دست داده و عملاً بی‌خاصیت و تلف شده محسوب می‌گردد. طبیعی است در چنین شرایطی تعدیل مهریه و تعیین ارزش آن براساس نرخ روز سبب می‌شود اعتبار و ارزش مالی زمان انعقاد عقد نکاح به مهریه برگشته و مهریه کارکرد خود را از دست ندهد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

منابع

- آیت‌الله‌زاده، مرتضی، آذرتاش، آذرنوش، مجمع الغات، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ هفتم، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۷۱.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، فرائد الأصول، جلد سوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹.
- بجنوردی، حسین، قواعد فقه، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات میعاد، ۱۳۷۲.
- بیگدلی، سعید، تعدیل قراردادها، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
- جزایری، محمدجعفر، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، جلد ششم، قم، موسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
- حسینی، سید شمس‌الدین، «بررسی شاخصه‌ای اندازه‌گیری توزیع درآمد»، معاونت پژوهشی مجمع تشخیص مصلحت، ۱۳۹۷.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات: المکاسب المحرمه، جلد ششم، چاپ اول، قم، موسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۳۸۴.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الأصول، جلد دوم، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۳.
- دوراهی، حیدر، تعدیل قرارداد به عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت، چاپ اول، قم، انتشارات نورالنور، ۱۳۸۲.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- زاهدی، محمدجواد، ترجمه گلدو کلوب، چاپ دوم، تهران، نشر مازیار، ۱۳۹۱.
- شفاهی، محمدرضا، بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- صادقی مقدم، محمدحسن، تغییر در شرایط قرارداد، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، «نظرخواهی پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»، مجله رهنمون، شماره شش، ۱۳۷۲.
- صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و هشتم، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد اول، قم، موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات اشجع، ۱۳۵۶.
- فخار طوسی، جواد، «پژوهشی در تعدیل قراردادها»، مجله فقه اهل بیت، شماره بیست و هفت، ۱۳۸۱.

- فشارکی، زینب، «بررسی آرای فقها درباره تبدیل مهریه به نرخ روز»، مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره دو، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست هشتم، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- کرمی، حمید، «تعدیل لازمه حقوق قراردادها»، فصلنامه حقوقی قانون طاه‌ها، شماره هفت، ۱۳۹۷.
- کریمی، عباس، «تعدیل مهریه‌ای که وجه رایج است، مهریه به نرخ روز»، نشریه حقوق و اجتماع، شماره هشت، ۱۳۷۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، قم، نشر قدس، ۱۳۶۹.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، جلد دوم، چاپ چهلیم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲.
- محمدی گیلانی، محمد، «استفتائات پیرامون کاهش ارزش پول»، نشریه دادرسی، شماره هفده، ۱۳۷۸.
- محمودی، ملک‌یا، «شرایط تعدیل قرارداد»، فصلنامه حقوقی قانون طاه‌ها، شماره هشت، ۱۳۹۷.
- مصباح‌المنیر، از لسان العرب، جلد هفتم، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۹۸۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، چاپ دوم، قم، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، نشر مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۲.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۲.
- موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقه، چاپ دوم، تهران، انتشارات میعاد، ۱۳۷۱.
- نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، جلد سوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۳.
- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد سی و هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه دارالسلامیه، ۱۳۶۲.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل بیت، شماره دو، ۱۳۷۴.
- هدایت‌نیا گنجی، فرج الله، حقوق مالی زوجه (اجرت‌المثل، نحل، تعدیل مهریه)، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.